با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

نظارت بر قیمت اجاره مسکن به کل فراموش شده است

خانه‌ای را ۲ سال قبل به مبلغ ۱۵۰میلیون و ۶میلیون تومان اجاره کردیم. سال گذشته نیز حدود ۳۵درصد به این ارقام اضافه شد. امسال صاحبخانه رقم ۵۰۰میلیون تومان و ۱۶میلیون تومان را طلب می‌کند. هیچ ضابطه و قاعده‌ای بر اجاره‌های مسکن ناظر نیست. قرار نیست کسی صدای مستأجران را بشنود؟

فلاحتی از تهران

آرد آزاد باعث تعطیلی نانوایی‌های اقبالیه قزوین شده است

دو نرخی بودن آرد و نوع سهمیه‌ای و آزاد آن باعث شده برخی نانوایی‌های اقبالیه در قزوین تعطیل کنند. نانوایی‌هایی هم که باز هستند اگر آزادپز باشند نانشان گران است و قابل خرید توسط همه مردم نیست در نتیجه آنهایی که نان می‌پزند همیشه صف‌های طولانی دارند و این صف‌ها آنقدر طولانی است که نان به همه افرادی که در صف هستند نمی‌رسد. لطفا به خواسته مردم توجه کنند.

جهانتاب از قزوین

چرا برای عضویت در کانون بازنشستگان نیاز به حکم کارگزینی است

مستمری‌بگیران برای عضویت در کانون بازنشستگان باید حکم کارگزینی داشته باشند درحالی که تا یک سال بعد از بازنشستگی هنوز حکمی در سایت تأمین اجتماعی برای آنان نیامده است ولی در سایت به‌عنوان بازنشسته شناخته می‌شوند و حقوق هم مطابق سنوات می‌گیرند با این حال آنها را به عضویت کانون بازنشستگان نمی‌پذیرند چون حکم در سایت قرار نگرفته است. تاوان این ناهماهنگی را بازنشستگان می‌دهند.

چایچی از تهران

پیامک

ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

درخواست جلوگیری از افزایش نرخ محصولات نان رضوی

از مشتریان دائمی و پر و پاقرص محصولات کارخانه نان رضوی هستم.در چندماه اخیر افزایش قیمت محصولات این کارخانه تعجب‌آور بوده است. درست است که به‌علت تورم در همه زمینه‌ها با افزایش قیمت و گرانی روبه‌رو هستیم ولی نه در این حد. مثلا دونات که یکی از پرطرفدارترین و پرفروش‌ترین محصولات این کارخانه است از قیمت ۱۵۰۰ تومان چندماه پیش به ۶هزار تومان در اردیبهشت‌ماه رسید! این حد از افزایش قیمت موجب کم شدن فروش و به‌اصطلاح ریزش مشتری می‌شود. درخواست می‌کنیم افزایش قیمت‌ها منطقی و منصفانه باشد.

خلج‌پور از تهران

سهم بانوان از اتوبوس‌های اشتراکی افزایش یابد

سهمی که برای بانوان در اتوبوس‌های اشتراکی در خط بی‌آرتی راه‌آهن به تجریش درنظر گرفته‌اند کافی نیست. درحالی که همواره بخش بانوان مملو از جمعیت است. در برخی ساعات بخش آقایان کم مسافر است که این موضوع نشان از ضرورت افزایش سهم بانوان در اتوبوس‌ها دارد. حتی به صفوف هم که نگاه کنند متوجه می‌شوند که همواره تعداد بانوان بیشتر از آقایان است. لطفا تدبیری برای این موضوع بکنند.

آصفی از تهران

خط سریع‌السیر اتوبوس در اتوبان تهران -کرج ایجاد کنند

اگر خطی سریع‌السیر در مسیر اتوبان تهران -کرج به‌صورت رفت و برگشت درنظر بگیرند بی‌شک از ترافیک دائمی مسیر تهران کرج در اتوبان کاسته خواهد شد. کارشناسان بررسی و ظرفیت‌سنجی کنند و مسئولان با نظرات کارشناسی به این اقدام دست بزنند که به نفع مردم هر دو کلانشهر تهران و کرج است.

ضیایی از کرج

پیام @ تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

شهرستان اندیکا حتی یک بیمارستان ندارد

شهرستان اندیکا فقط یک درمانگاه محلی دارد که قادر به ارائه همه خدمات نیست. بسیاری از بیماران به‌دلیل نبود پزشک مجبورند به مسجدسلیمان که ۶۰ کیلومتر با اندیکا فاصله دارد، بروند. سال‌هاست هر مسئولی که می‌آید وعده ساخت بیمارستان می‌دهد ولی تاکنون این وعده عملی نشده است.همین باعث فوت برخی از بیماران از جمله یکی از خویشاوندان من شده که به‌خاطر دیر رسیدن به بیمارستان شهر مجاور، جان خود را از دست داد. اندیکا نیاز فوری به بیمارستان دارد.

شلالی از اندیکا

تاکسی‌های خطی ملزم به استفاده از کولر شوند

رانندگان تاکسی‌های خطی به بهانه مصرف شدن بیشتر بنزین در طول تابستان از کولر ماشین استفاده نمی‌کنند.این مسئله خصوصا در مسیرهای طولانی برای مسافران عذاب‌آور است.مسیر من که از کرج راهی تهران می‌شوم ۱,۵ ساعت طول می‌کشد و این وضعیت واقعا طاقت‌فرساست.از سازمان تاکسیرانی تقاضا دارم تا رانندگان خطی را ملزم به استفاده از کولر در ساعات گرم روز کنند.

سیادت از تهران

برخی از مراکز درمانی با عنوان خیریه هزینه‌های بالا دریافت می‌کنند

متأسفانه برخی از مراکز درمانی با درج نام خیریه روی تابلوی‌شان مردم را گمراه می‌کنند. نرخ‌هایشان دقیقا مطابق نرخ مطب‌های آزاد است. این کار اخلاقی نیست چون مردم به امید پرداخت هزینه کمتر مراجعه می‌کنند اما مجبور به پرداخت هزینه‌های گزاف می‌شوند. از وزارت بهداشت درخواست داریم تا بر عملکرد این قبیل درمانگاه‌ها نظارت دقیق‌تری داشته باشند.

رضاییان از تهران

۲۳۲سارق و مالخر حرفه‌ای در تهران در طرح تشدید برخورد با سارقان دستگیر شدند

دام قهرمان شطرنج برای زنان

گزارش
الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

تازه‌ترین طرح پلیس آگاهی پایتخت که با رویکرد برخورد شدید با سارقان اجرا شده به دستگیری ۲۳۲سارق حرفه‌ای و مالخر در تهران منجر شد. به گزارش همشهری، سرهنگ علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران درباره دستاوردهای این طرح گفت: همکاران من از چند روز قبل با انجام اقدامات اطلاعاتی و پلیسی موفق به شناسایی ۲۳۲سارق و مالخر شدند که در عملیات مختلف ظرف ۴۸ساعت موفق شدند این افراد را که در قالب ۶۰باند فعالیت می‌کردند، دستگیر کنند.

وی افزود: متهمان دستگیرشده جرائمی مانند سرقت به‌عنف، سرقت منزل و اماکن، جعل و کلاهبرداری، سرقت مسلحانه و سایر جرائم از جمله خرید اموال مسروقه را رقم زده بودند. به گفته سرهنگ گودرزی، اکثر این افراد از سارقان حرفه‌ای و سابقه‌دار هستند و همراه آنها ۳۰ مالخر دستگیر شدند و از مخفیگاه‌هایشان مقدار زیادی اموال مسروقه کشف شد که به‌زودی به مالباختگان پس داده خواهد شد.

سرهنگ ولیپور گودرزی در ادامه به تشریح برخی از مهم‌ترین پرونده‌هایی پرداخت که با اجرای این طرح به سرانجام رسیدند و گفت: یکی از این پرونده‌ها مربوط به شناسایی و دستگیری سارقان مسلحی است که در اواسط سال گذشته مقابل یک صرافی، با دو دستگاه موتورسیکلت قصد قاپیدن کیف فردی را داشتند که ۵هزار دلار از صرافی خریداری کرده بود. این مرد در برابر سارقان مقاومت کرد و سارقان اقدام به تیراندازی کردند که یکی از گلوله‌ها به مرد جوان و گلوله دیگر به پای یک عابر پیاده برخورد کرد. با وجود این که دزدان موفق به سرقت نشدند و فرار کردند کارآگاهان موفق به دستگیری آنها شدند. رئیس پلیس آگاهی تهران درباره جزئیات پرونده دیگر گفت: اواخر سال گذشته با حمله به مردی در پاسداران، ۵۳میلیون تومان از وی سرقت کردند که در جریان تحقیقات دستگیر شدند و مأموران در مخفیگاه آنها یک قبضه وینچستر و ۲ کیلوگرم موادمخدر از نوع تریاک کشف کردند. در ادامه معلوم شد که اعضای این باند در پوشش مامور دست به سرقت از خانه‌های اتباع خارجی می‌زدند و با دستگیری این باندها، پرونده آنها در اختیار مرجع قضایی قرار خواهد گرفت.

این مرد پیش از سرقت طعمه‌هایش را بیهوش می‌کرد

راز سرقت‌های قهرمان شطرنج

محسن فوق‌لیسانس حسابداری داشت و یک تاجر بین‌المللی و پولدار بود. همه‌چیز در زندگی او به خوبی پیش می‌رفت تا اینکه شریکش سر او را کلاه گذاشت و اموالش را تصاحب کرد. محسن ماند با کلی بدهی؛ او در فضای مجازی از ۱۰ پزشک به‌صورت آنلاین مشورت گرفت تا با شیوه بیهوشی از زنان سرقت کند. او که سال‌ها قبل مقام قهرمانی شطرنج کشور و کیک بوکسینگ را کسب کرده بود حالا تبدیل به یک سارق حرفه‌ای شده است.

چه شد که یک تاجر تحصیلکرده و قهرمان شطرنج تبدیل به یک سارق حرفه‌ای شده است؟

چون ورشکست شدم. شریکم سرم را کلاه گذاشت و از کشور فرار کرد. مرا اینجوری نگاه نکنید، زمانی برای خودم برو و بیایی داشتم؛ مدام سفر خارجی می‌رفتم و زندگی‌ام لاکچری بود اما شریکم که از چشمانم بیشتر به او اعتماد داشتم زندگی‌ام را با خودش برد و کاری در حقم کرد که تبدیل به یک ورشکسته و بعد سارق حرفه‌ای شدم.

چه اتفاقی بین شما رخ داد؟

یک روز که در شرکت بودیم با آبمیوه مسموم مرا بیهوش کرد. سپس از من کلی امضا گرفت و تمام اموالم را تصاحب کرد. چند روز بعد هم از ایران رفت و شنیده‌ام که در کانادا زندگی می‌کند آن هم با پول من، پولی که با هزار سختی و زحمت به‌دست آورده بودم. من زمانی قهرمان شطرنج در کشور شدم. حتی یک مقام هم در ورزش‌های رزمی دارم اما خب سرنوشت با من خوب تا نکرد.

چه شد که نقشه دزدی کشیدی؟

بدهی بالا آوردم و همه سرمایه‌ام از دستم رفت. من هم تصمیم گرفتم با همین شگرد بیهوشی سرقت کنم که خب طبیعتا زن‌ها را باید انتخاب می‌کردم چون همیشه طلا همراهشان است.

با چه شگردی؟

با ماشین پژوی خودم به خیابان‌ها می‌رفتم و زنانی که طلاهای زیادی به خودشان آویزان کرده بودند را شناسایی می‌کردم. بعد در نقش مسافرکش آنها را سوار می‌کردم و در بین راه فریبشان می‌دادم و طوری رفتار می‌کردم که به من اعتماد کنند. سپس آبمیوه که از قبل مسموم کرده بودم را به آنها تعارف می‌کردم. زنان پس از نوشیدن آبمیوه دچار سرگیجه می‌شدند و من در حالت نیمه بیهوش رمز کارت‌هایشان را می‌گرفتم. سپس با کارت‌هایشان از صرافی دلار و یا از طلافروشی طلا یا سکه می‌خریدم. علاوه بر این طلاهای طعمه‌هایم را هم به سرقت می‌بردم و آنها را به بیرون از ماشین پرتاب می‌کردم.

فکر نمی‌کردی طعمه‌هایت با خوردن دارو جانشان به خطر بیفتد؟

من قبل از شروع نقشه سرقت، از ۱۰ پزشک به‌صورت آنلاین پرسیدم و تحقیق کردم تا ببینم این قرص‌ها خطر جانی یا تداخل دارویی ندارد که خوشبختانه نداشت. حتی گفتند به محض خوردن مایعات زیاد، دفع می‌شود و خطر جانی ندارد. فقط یک تا ۷ روز بیهوش بودند و بعد چشمانشان را باز می‌کردند!

متهمان برخی از طعمه‌هایشان را آزار و اذیت می‌کردند

خشونت عجیب دزدان

اعضای باند زورگیری، شگرد خشنی برای سرقت داشتند. آنها چنانچه با مقاومت طعمه‌هایشان مواجه می‌شدند آنها را با چاقو زخمی می‌کردند. اگر طعمه آنها زن بود در اقدامی بی‌رحمانه، وی را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند تا اموالشان را به سرقت ببرند. گفت‌وگو با سرکرده ۲۶ساله این باند خشن را می‌خوانید.

از کی سرقت‌هایتان را شروع کرده‌اید؟

از اواخر پارسال.

سابقه داری؟

چند سابقه زورگیری با همین شگرد دارم.

درباره شگردت بگو؟

می‌دانم شگردمان خیلی خشن بود. من و اعضای باندم گاهی به پارک‌های مختلف در غرب، شمال و شمال غرب تهران می‌رفتیم و به محض شناسایی دختر یا پسرهایی که برای تفریح به پارک رفته بودند، به سمتشان حمله می‌کردیم، چاقو و قمه را روی گردنشان قرار داده و با تهدید اموال قیمتی آنها را به سرقت می‌بردیم. چنانچه طعمه‌هایمان مقاومت می‌کردند با چاقو زخمی‌شان می‌کردیم اما اگر تسلیم می‌شدند، آسیبی به آنها نمی‌رساندیم فقط با مشت یا دسته چاقو به سرشان می‌کوبیدیم!

چند نفر را مورد آزار و اذیت قرار دادید؟

ما با زنانی که مقاومت نمی‌کردند، کاری نداشتیم اما برخی از آنها با ما درگیر می‌شدند و ما هم از روی عصبانیت آزار و اذیت‌شان می‌کردیم و اموالشان را می‌دزدیدیم.

چه چیزهایی را به سرقت می‌بردید؟

از ماشین، طلا و گوشی موبایل گرفته تا کیف و کفش‌هایشان را. خب اغلب طعمه‌های ما بچه پولدار بودند و کفش‌های گران‌قیمت پایشان بود. ما هم کفش‌هایشان را برمی‌داشتیم تا خودمان بپوشیم. با این کار نمی‌توانستند ما را تعقیب کنند.

خودروها را چطور سرقت می‌کردید؟

سوئیچ ماشینشان را می‌گرفتیم و از آنها آدرس جای پارک را که معمولا در همان حوالی بود می‌گرفتیم. بعد با ماشین‌شان دور می‌زدیم یا با آن به سفر می‌رفتیم و بعد ماشین را رها می‌کردیم.

چه شد که تبدیل به سارق شدی؟

زندگی‌ام توسط یک زورگیر خشن از هم پاشید. یک دزد بی‌رحم به نامزدم حمله کرد و او را مورد تجاوز قرار داد. سپس تمام اموال قیمتی‌اش را به سرقت برد. از آن پس نامزدم به‌شدت دچار بیماری روحی و روانی شد و مرا ترک کرد. این اتفاق تأثیر بدی در روحیه‌ام گذاشت و مرا بی‌رحم کرد.

می‌دانستی یکی از شاکیان ناراحتی قلبی داشته و حالا در آی‌سی‌یو بستری است؟

اشتباه کردیم. پسربچه‌ای که مشکل قلبی داشته حدودا ۱۲ساله است. او فرزند یکی از مالباخته‌هاست که وقتی در پارک به سمت پدرش حمله کردیم به‌شدت وحشت کرد و از حال رفت.

گروگان در آخرین لحظات از دست آدم‌ربا گریخت

نقشه قتل نافرجام ماند

بخت با دختر جوان یار بود که زنده ماند. آدم‌ربایان نقشه قتل او را در سر داشتند اما وی با زیرکی از دستشان گریخت. یکی از آدم‌ربایان در میان مجرمان دستگیر شده در عملیات تازه پلیس است که می‌گوید فوق لیسانس عمران دارد و فریب یک زن را خورده است.

شاکی را می‌شناسی؟

مدت‌ها پیش عاشقش بودم اما به دوستی‌مان پایان دادیم و مدتی بعد با دختری به نام نیلوفر نامزد کردم. نیلوفر حسادت زنانه‌اش گل کرد و با دستور او تصمیم به ربودن شاکی گرفتم. حالا به‌شدت پشیمانم چون نیلوفر که دستور آدم‌ربایی داده حالا فراری شده است. درواقع او بود که فریبم داد.

چطور فریبت داد؟

می‌گفت باید جان مینا (شاکی) را بگیریم. آنقدر در گوشم خواند که وسوسه شدم تا وارد بازی خطرناک او شوم. خوشبختانه سناریو آنطور که نیلوفر می‌خواست پیش نرفت و مینا زنده ماند.

انگیزه‌اش از کشتن مینا چه بود؟

گفتم که حسادت زنانه‌اش گل کرده بود. چون عکس‌های مینا را در گوشی‌ام دیده بود، از طرفی مینا در این مدت مدام به من زنگ می‌زد اما چون او را در لیست سیاه قرار داده بودم میس کالش روی گوشی‌ام می‌افتاد. به همین دلیل اصرار کرد تا او را ربوده و نیمه‌جان با دست و پای بسته در بیابان رهایش کنیم تا جانش را از دست بدهد چون اگر زنده می‌ماند ما را لو می‌داد. اما حالا که بیشتر فکر می‌کنم می‌بینم نامزدم یک کلاهبردار بوده است. چون به‌نظرم هدف اصلی‌اش تصاحب ماشین مینا بود. او می‌گفت پس از ربودن مینا، اثر انگشتش را پای برگه‌های وکالت بزنیم و بعد جانش را بگیریم.

چطور به این نتیجه رسیدی؟

نامزدم به من گفت ماشین مینا را به بهانه تعمیر از او گرفته و سپس وی را ربوده و به بیابان ببریم. نامزدم دانشجوی حقوق بود و می‌گفت آشنا دارد و می‌تواند با سندسازی ماشین او می‌ام مینا را به نام خودش بزند. بعد امتوجه شدم کار نیلوفر و رفقایش کلاهبرداری‌هایشان را اجرا کنند.

چه شد که نقشه قتل نافرجام باقی ماند؟

شاید خدا من و مینا را خیلی دوست داشت در غیر این صورت باید هر شب کابوس طناب دار می‌دیدم و با عذاب وجدان زندگی می‌کردم. روز حادثه با مینا به بهانه اینکه می‌خواهم ماشین را تحویلش بدهم قرار گذاشتم. در بین راه آبمیوه خریدم و داخل آن قرص انداختم. مینا نیمه‌هوش شده بود که دست و پایش را بستم و داخل صندوق عقب انداختم. می‌خواستم بروم دنبال نامزدم که در بین راه متوجه شدم مینا به هوش آمده است. او پایش را به ماشین می‌کوبید که راننده‌ها متوجه شدند. ناچار به توقف شدم و بعد دهان و پاهایش را با چسب بستم. همان لحظه با دیدن مردم ترسیدم و فورا پشت فرمان ماشین نشستم تا فرار کنم اما در صندوق باز بود و مینا خودش را به بیرون از ماشین پرتاب کرد. من در آن لحظه خیلی دستپاچه و هول شده بودم.

کوتاه از حادثه

عروسی خونین در بروجرد

تیراندازی در مراسم عروسی جان مرد جوانی را گرفت و عروسی را به عزا تبدیل کرد.

به گزارش همشهری، سرهنگ عبدالرضا رخشان، رئیس پلیس آگاهی استان لرستان در این‌باره گفت: به‌دنبال اعلام خبری به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰مبنی بر تیراندازی منجر به قتل در یکی از مناطق شهرستان بروجرد، بررسی موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت.

او ادامه داد: مأموران پلیس در بررسی‌های اولیه پی بردند که جوانی ۲۷ساله در یک عروسی به هنگام شادی با اسلحه شکاری هدف قرار گرفته و جانش را از دست داده است. به این ترتیب تحقیقات برای شناسایی عامل تیراندازی آغاز شد و کمی بعد همکارانم ۲متهم را دستگیر کردند. تحقیق از متهمان نشان داد که آنها در جریان برگزاری جشن عروسی طبق رسمی غلط با نیت شادی شروع به تیراندازی با سلاح شکاری کرده و ناخواسته باعث مرگ مرد جوان شده‌اند.

رئیس پلیس آگاهی استان لرستان در ادامه گفت: پلیس تأکید ویژه‌ای بر فرهنگسازی، آموزش و همکاری با سایر نهادها و دستگاه‌های مسئول دارد و بر این باور است که می‌توان رسوم پسندیده را جایگزین رسم غلط و خطرناک تیراندازی در جشن‌ها و مراسم‌های عروسی کرد و امیدواریم با همکاری آگاهانه مردم، شاهد آرامش در مراسم‌های شادی و پیشگیری از وقوع قتل‌های ناشی از تیراندازی در جشن‌ها باشیم.

براساس این گزارش، هم‌اکنون ۲ متهم در بازداشت به‌سرمی‌برند و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

نجات زن ۸۷ساله در حادثه سقوط به چاه

زنی ۸۷ساله به دلایل نامعلومی به چاه آب سقوط کرد، اما آتش‌نشانان با حضور بموقع توانستند او را از چاه بیرون بکشند و جانش را نجات دهند.

به گزارش همشهری، ساعت ۶صبح سه‌شنبه به آتش‌نشانی رشت خبر رسید که زنی سالخورده داخل یک چاه آب سقوط کرده و جانش در خطر است. دقایقی از این تماس می‌گذشت که ۹ آتش‌نشان در قالب ۲ تیم عملیاتی و نجات باوسیله خود را به محل حادثه در بلوار امام خمینی(ره) رساندند و عملیات آغاز شد.

زن مسن بنابر دلایل نامعلومی داخل چاه آب که دهانه باریکی در حدود ۴۰سانتی متر داشت، سقوط کرده و شرایط سختی داشت. با این حال آتش‌نشانان با استفاده از تجهیزات مخصوص او را به سلامت از چاه خارج کردند. در این حادثه خوشبختانه به این زن آسیب جدی وارد نشد.

مرگ ۳نفر در ۲مسمومیت عجیب

در جریان ۲حادثه در همدان و مشهد، ۳نفر به شکل عجیبی براثر مسمومیت با گاز منوکسید کربن جان خود را از دست دادند.

به گزارش همشهری، نخستین حادثه در روستای جرا تویسرکان واقع در استان همدان اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که صاحب یک انبار علوفه در این روستا اقدام به آتش زدن کاه‌های مازاد و کثیف کرده بود؛ غافل از اینکه دود ناشی از آتش زدن کاه‌ها با وزش باد زیرزمین مجاور را پر از گاز منوکسیدکربن کرده است. در همین لحظات پسر ۱۴ساله خانواده برای آوردن وسیله‌ای وارد زیرزمین شد اما دیگر برنگشت. مادر ۵۰ساله خانواده که از تأخیر پسر تعجب کرده بود چند دقیقه بعد به‌دنبال او به زیرزمین رفت اما او نیز برنگشت. به‌دنبال این اتفاق عجیب چند نفر دیگر از اعضای خانواده که دلواپس مادر و پسرش شده بودند به زیرزمین رفته و متوجه شدند که آنها بیهوش روی زمین افتاده‌اند. در این شرایط بود که آنها با داد و فریاد از همسایه‌ها کمک خواستند و همزمان ماجرا به اورژانس نیز گزارش شد.

دقایقی بعد با حضور امدادگران اورژانس معلوم شد که مادر و پسر بر اثر مسمومیت با گاز منوکسیدکربن جان خود را از دست داده‌اند. در این حادثه همچنین ۴عضو دیگر این خانواده نیز دچار مسمومیت شده بودند که به مرکز درمانی منتقل شدند.

علیرضا صارمی، مدیر روابط‌عمومی پزشکی قانونی استان همدان در این‌باره گفت: علاوه بر ۲ قربانی این حادثه، ۴نفر دیگر از اعضای این خانواده هم دچار مسمومیت شده بودند که ۳نفرشان به‌صورت سرپایی تحت مداوا قرار گرفتند و یک نفر نیز در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد.

دومین گازگرفتگی مرگبار در اطراف مشهد رخ داد و در جریان آن مردی بر اثر استنشاق گاز جوهر نمک جان باخت. سرهنگ عباسعلی دهقانی، جانشین فرمانده انتظامی مشهد در توضیح این حادثه گفت: در پی اعلام مرگ مشکوک مردی ۳۸ساله در یکی از مناطق بلوار توس، مأموران انتظامی همراه با نیروهای امدادی برای بررسی موضوع راهی محل حادثه شدند. او درباره آنچه اتفاق افتاده بود گفت: این مرد به تنهایی با جوهرنمک در حال نظافت خانه بود که به‌دلیل انتشار گاز از جوهرنمک، دچار گازگرفتگی شده و طبق اعلام مأموران اورژانس در محل فوت شده بود که پیکر او به سردخانه منتقل شد.

او به شهروندان توصیه کرد که هنگام استفاده از مواد شوینده قوی از قبیل جوهرنمک و وایتکس نکات ایمنی را رعایت و همه در و پنجره‌ها را باز کنند تا گاز متصاعدشده از ساختمان خارج شود و شاهد حوادث دلخراش نباشیم.

با تلاش تیم صلح و سازش دادسرای جنایی تهران و خیرین، ۵زندانی آزاد شدند

اشک شوق ۵محکوم به قصاص در روز میلاد امام هشتم

داخلی

۵مرد که به اتهام قتل به قصاص محکوم شده بودند با تلاش ویژه تیم صلح و سازش دادسرای جنایی تهران و وساطت خیرین از مجازات مرگ گریختند و صبح دیروز از زندان آزاد شدند.

به گزارش همشهری، صبح دیروز ۵محکوم به قصاص که موفق به گرفتن رضایت از اولیای دم شده بودند از زندان به دادسرای جنایی تهران منتقل شدند؛ چرا که قرار بود، مقدمات آزادی آنها فراهم شود. هرکدام از آنها سرنوشت متفاوتی داشتند و در جریان حادثه‌های جداگانه دست به جنایت زده بودند. حکم قصاص‌شان قطعی شده و تا یک قدمی چوبه دار هم رفته بودند اما رفتاری که در زندان داشتند و پشیمانی و توبه‌شان از جنایتی که مرتکب شده بودند باعث شد که تلاش واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران برای نجات آنها از قصاص آغاز شود؛ تلاش‌هایی که زیرنظر محمد شهریاری، سرپرست دادسرای جنایی تهران تا صبح دیروز ادامه داشت و در نهایت اولیای دم قبول کردند که در ازای دریافت دیه از مجازات این محکومان بگذرند. با وجود این هر ۵ محکوم به قصاص به‌دلیل ناتوانی در پرداخت دیه همچنان در زندان بودند تا اینکه با وساطت خیرین، مبلغ دیه در این ۵پرونده جنایی فراهم و به اولیای دم پرداخت شد و صبح دیروز که مصادف بود با تولد امام رضا(ع)، هر ۵زندانی پس از گذشت سال‌ها از زندان آزاد شدند و به آغوش خانواده هایشان بازگشتند.

یکی از مردانی که دستبند اتهام از دستانش باز شد راننده اتوبوسی بود که ۲۲سال قبل مرتکب قتل شد. وی زندگی‌اش را مدیون رئیس قوه قضاییه است و می‌گوید: من ۲۰سال قبل درزاهدان، یک فرد افغان را سوار اتوبوسم کردم و راهی تهران شدم. وقتی به مقصد رسیدیم، جوان افغان از پرداخت کرایه طفره رفت. بر سر همین موضوع درگیری میان ما شکل گرفت که پایان خوبی نداشت. من که به‌شدت عصبانی بودم نتوانستم خشمم را کنترل کنم و جان مرد افغان را گرفتم اما خیلی پشیمان شدم و در همه این سال‌ها با عذاب زندگی کردم. ۲۰سال از زندگی و جوانی‌ام پشت میله‌های زندان سپری شد و هر شب کابوس چوبه دار می‌دیدم. اولیای دم که در افغانستان بودند برای اجرای حکم نمی‌آمدند و به همین دلیل من این همه سال بلاتکلیف در زندان بودم تا اینکه به دستور رئیس قوه قضاییه به دیه محکوم شدم. با این حال توانایی پرداخت پول دیه را نداشتم تا اینکه با کمک خیرین این مبلغ فراهم شد و من امروز قرار است بعد از ۲۰سال طعم آزادی را بچشم. محکوم به قصاص دیگری که دیروز بعد از ۱۹سال از زندان آزاد شد در سال ۸۳ در جریان یک درگیری زن همسایه را به قتل رسانده بود. وی به قصاص محکوم شده بود که اولیای دم او را بخشیدند و درخواست دیه کردند که با کمک خیرین دیه این مرد زندانی پرداخت شد.

۲زندانی دیگر ۲برادر بودند که مهر سال ۹۱ پسری را به قتل رسانده و اولیای دم برای بخشش آنها شرط ساخت ورزشگاه به نام مقتول را تعیین کردند که آنها پذیرفتند و دیروز مقدمات آزادی‌شان فراهم شد. آخرین نفر تیر سال ۹۸ در پارک، یکی از دوستانش را که رقیب عشقی‌اش هم شده بود به‌خاطر بدهی بر سر قمار بازی به قتل رساند و با بخشش اولیای دم از مرگ رهایی یافت و دیروز آزاد شد.